

دانش سیاسی و فکری اسلام

«سیاست» از هر چشم اندازی که تعریف شود؛ خواه بعنوان شاخه‌ای از «دانش»، یا بمثابه منظومه‌ای از «عمل»، وجود تمدنی و نسبی آن رانمی‌توان نادیده گرفت. «علم سیاست» بخشی از حکمت عملی و از اجزای رئیسه عقل عملی است، و از آن روی که «عمل»، از بنیاد، پدیداری فرهنگی است و به اعتبار زمان و مکان، مبانی، محدودیتها و جلوه‌های متمایز دارد، هرگز نمی‌توان از دانش سیاسی جهان شمول سخن گفت و برای حلّ «مسائل امروز» صرفاً چشم به آثار قدما یا در تکاپوی تقلید از بیگانه بود. علم سیاست، یعنی علمی که به توسط آن کیفیت عمل سیاسی آموخته می‌شود نیز، نوعی عمل است. و چون عمل سیاسی سرشت تاریخی و تمدنی دارد، پرسشهای دانش سیاسی نمی‌تواند در گسست از دوران تاریخی و بستر تمدنی یک جامعه طرح شود و اگر چنین باشد، به علم سیاست غیر سیاسی و حکمتی فرا تاریخی بدل شده، و اندوخته و انبانی بلاثمر می‌شود.

با انقلاب اسلامی و حیات سیاسی منبعث از آن، دورانی در اندیشه و عمل سیاسی مسلمانان آغاز شده که مستلزم بازگشتی ویژه بر عقلانیت اسلامی، و طلیعه چنان تحوّل در تمدن اسلامی است که به نظر می‌رسد فقط آیندگان می‌توانند اهمیت و نتایج آن را از نزدیک ببینند. چنین تحوّل که هنوز در سطح سیاسی و اجتماعی است، به یقین، عقلانیت و دانش سیاسی متناسب خود را نیز تولید خواهد کرد. تفسیری نو بر مجموعه تجربه‌ها و تفسیرهای سیاسی از وحی اسلامی اضافه نموده و نسبت خود را با «گذشته اسلامی» از یکسوی، و «تاریخ تمدن غرب» از سوی دیگر، توضیح خواهد داد.

طبیعی است که زایش و پالایش چنین دانش و عقلانیتی، که آینده تمدن اسلامی جز بر بنیاد آن استوار و استمرار نخواهد داشت، رنجها و صبرهای بسیار می‌طلبد که هنوز باید در انتظار آن

بود؛ تحقق این مهم، در آینده‌ای نامعلوم و به دست بزرگی توانا به انجام خواهد رسید که ظهور او تا کنون بعهدہ تعویق افتاده است. اما آنچه در این لحظه و تکانه (Momentum) تاریخی اهمیت بسیار دارد توجه به اضلاع مثلثی است که تفکر سیاسی امروز ما ناگزیر از تأمل در ابعاد سه گانه آن (۱) گذشته اسلامی (۲) شرایط امروز و (۳) تجربه غرب) به منظور درآمدی بر دانش سیاسی مورد انتظار است. و فصلنامه علوم سیاسی نیز با هدف کاوش در قلمروهای سه گانه فوق طرّاحی شده است.

اکنون، و در شرایط انقلاب اسلامی، بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد که لُجنه‌های علمی و مباحث دقیق «غرب‌شناسی» رواج یابد. غرب‌شناسی به معنای غرب‌گرایی نیست بلکه شناخت درست غرب بمنظور دفاع از هویت اسلامی در برابر استیلای غرب است. غرب‌شناسی برای مسلمانان و اندیشمندان امروز جامعه اسلامی بیش از اسلام‌شناسی مستشرقین غربی اهمیت دارد؛ زیرا، اسلام‌شناسی آنان برای سلطه بیشتر و آسانتر بر جوامع اسلامی بود ولی غرب‌شناسی ما با هدف فهم درست غرب بمنظور دفاع از «خویشتن» و هویت دینی خویش است و بنابراین، غرب‌شناسی برای ما بخشی از ضروریات بقاء است.

بازگشت انتقادی به میراث اسلامی - سیاسی نیز از لوازم بالندگی تفکر جدید است؛ نقد دیروز و امروز همواره تفکیک ناپذیرند. عقل سیاسی ما ابزاری است که بر ساخته فرهنگ معینی است و ویژگیهای خاص خود را دارد. دانش سیاسی مسلمانان، اندیشه‌ای است که بالذات ساخته فرهنگ اسلامی است؛ فرهنگی که تاریخ تمدن اسلامی را با خود حمل می‌کند و واقعیت آن را باز می‌تابد و از آرمانهای آن سخن می‌گوید، و در عین حال موانع پیشرفت و عوامل عقب ماندگی کنونی مسلمانان را نیز به همراه دارد و باز می‌نماید و حکایت می‌کند. و اگر بتوان دانش سیاسی مسلمانان را به نام یکی از مهمترین ویژگیهایش نامید، باید بگوئیم که سیاست اسلامی، اندیشه و عمل مبتنی بر وحی است، یا به عبارت بهتر؛ تفسیر وحی. بدین ترتیب، همه کوشش ما شناخت و سنجش سیاست اسلامی بمثابه مجموعه‌ای از تفسیرها است که ساختاری متعین دارند و از مبانی، الگوی عمل و فراورده‌های خاصی حکایت می‌کنند. این کوشش، دلمایه و دغدغه اساسی «فصلنامه علوم سیاسی» است.

هدف «فصلنامه» تلاشهایی هر چند ابتدایی بمنظور آگاهی از میراث سیاسی اسلام و کمک به ترمیم سند دانش سیاسی است که مدتهاست در جوامع اسلامی از هم گسیخته است. چنین می نماید که تنها در سایه چنین تلاشهایی است که می توان بر احیای مجدد ملکه تصرف در دانش آموختگان و پژوهشگران این رشته در حوزه های علمیه و دانشگاه های کشورهای اسلامی چشم امید بست. دانشگاهها و حوزه های علمیه ما، بویژه در قلمرو علوم سیاسی و اجتماعی، سالهاست که سند دانش و ملکه تصرف در آن را از کف نهاده اند و چنانکه رهبر معظم انقلاب در یک ارزیابی دایمانه اشاره فرمودند؛ «حوزه های ما سالهاست که از دنیا و زمان خود عقب افتاده اند». از جمله نشانه های این عقب افتادگی، درازی بی ثمر دوره آموزش و نیز، فقدان ملکه تصرف و کاربرد عملی این آموخته ها در اغلب موارد را می توان برشمرد. ابن خلدون که در سال ۷۷۹ قمری تألیف مقدمه را تمام کرده است، در اشاره به این وضعیت در حوزه های اسلامی می نویسد:

«... و از این رو، کسانی از جویندگان دانش را می یابیم که پس از گذشت سالیان درازی از عمر آنان در محافل علمی، سکوت اختیار می کنند و به هیچ رو سخن نمی گویند و در مباحثی که [در جامعه] مطرح می شود شرکت نمی جویند. بلکه توجه آنان به حفظ کردن بیش از میزان حاجت است و به همین سبب از ملکه تصرف در دانش و تعلیم سودی حاصل نمی کنند. و حتی از همین گروه کسانی را می یابیم که پس از فراغت از کسب دانش نیز ملکه آنان در دانشی که دارند قاصر است و اگر به بحث و گفتگو یا مناظره یا تعلیم پردازند بخوبی از عهده آن بر نمی آیند. و منشأ این کوتاهی و قصور تنها به کیفیت تعلیم و از دست رفتن سند آن باز می گردد و گرنه میزان محفوظات آنان بیشتر و کاملتر از دیگران است (مقدمه، ص ۸ - ۸۷۷)

رهبر انقلاب در اشاره به برخی مشکلات چندین صدساله در حوزه های اسلامی تأکید می کنند که؛ «امروز روز علاج است و آنچه را که به نظر می رسد؛ اولاً، قبول درد است.... اگر درد را قبول نکردیم، درمان درست نخواهد شد. ثانیاً همت گماشتن به علاج....، راهش همین است که کسانی، بخصوص جوانها که احساس درد می کنند، آن درد را گسترش بدهند. (رهنمودهای مقام معظم رهبری، فیضیه، آذر ۷۴)

به هر حال، اشارت فوق، هدف و قلمرو اصلی فعالیت «فصلنامه» را تشکیل می‌دهد. فصلنامه علوم سیاسی با هدف ترویج آگاهی و مفاهیم سیاسی اسلام در جامعه، و بویژه در سطح دانشجویان این رشته و طلاب علوم دینی منتشر می‌شود و چنانکه گذشت، موضوع «سیاست» را در سه حوزه؛ «میراث اسلامی»، «غرب‌شناسی» و «مسائل روز» مورد بررسی قرار می‌دهد. شایان تأکید است که هر ملتی بر حسب فرهنگ و اصطلاحات مخصوص خود، لاجرم «علم سیاسی» ویژه‌ای دارد که متعلق به خود آن قوم و فرهنگ و ملت است و دیگران، نه بدان توجهی دارند و نه، می‌توانند توجه نمایند. و از این دیدگاه، بحث در باب علم سیاست اسلامی و متناسب با شرایط امروز جامعه ما، به یقین در آغاز راه است و به رغم ضرورت، تلاشها، تحقیقات و تألیفات در این باره چنان اندک است که تعریف و تعیین حدود این دانش را ناگزیر باید به آینده سپرد. اندیشمندان مسلمان، اهداف هر تلاشی علمی را در هفت مقصد منحصر کرده‌اند که به نظر می‌رسد اشاره به آنها در راستای انگیزه‌های انتشار «فصلنامه علوم سیاسی» خالی از فایده نباشد؛

- ۱- استنباط یک دانش جدید و ابواب و فصول و مسائل آن.
- ۲- توضیح و تفسیر یافته‌های پیشینیان در یک دانش.
- ۳- اصلاح خطاها و لغزشهای بزرگان در یک رشته علمی
- ۴- تکمیل نواقص یک نظریه یا رشته علمی
- ۵- ترتیب و تنظیم مسائل یک علم
- ۶- جمع‌آوری و تدوین مسائل یک علم یا نظریه که در ضمن ابواب و فصول دیگر دانشها پراکنده است.

۷- تلخیص و خلاصه کردن آثار متقدمان که از منابع اساسی یک علم محسوب می‌شوند. «فصلنامه علوم سیاسی» که اکنون دور جدید انتشار آن آغاز شده است، اندیش‌وران سیاست و سیاست‌دینی در حوزه و دانشگاه را در هر یک از مقاصد هفتگانه در این رشته علمی به همکاری می‌طلبد و هرگونه پیشنهاد و انتقاد فرزنانگان و اصحاب معرفت را ارج می‌نهد.

والله ولی التوفیق

سر دبیر

